

بررسی رابطه بین والد-فرزند و خیانت زناشویی

حسن میرزا حسینی^۱، توران خلیلی^۲، اکرم سوری^۳

^۱ دکتری مشاوره، استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم-ایران.

^۲ دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم-ایران.

^۳ دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم-ایران.

نام نویسنده مسئول:

توران خلیلی

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین والد-فرزند و خیانت زناشویی انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی-مقطعی با روش همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۰۰ نفر از زنان شاغل در آموزش و پرورش منطقه ۴ تهران بود که به صورت در دسترس ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه رابطه والد-فرزند (PCRS) فاین و همکاران (۱۹۸۳) و پرسشنامه خیانت زناشویی مارک واتلی (۲۰۰۶) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین خیانت زناشویی با تنفر و گم گشتگی نقش و تعیین هویت رابطه مثبت معنادار وجود دارد ($p < 0/01$) و همچنین بین احساس مثبت و ارتباطات رابطه منفی معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: والد-فرزند، خیانت زناشویی، زنان.

مقدمه

خانواده در زمره مهمترین سیستمهای اجتماعی است که بر اساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می گیرد. حفظ و تداوم خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است. خانواده به عنوان واحدی اجتماعی، کانون رشد و تکامل، التیام و شفا دهندگی و تغییر و تحول آسیب ها و عوارض است که هم بستر شکوفایی و هم بستر فرو پاشی روابط میان اعضایش می باشد. در خانواده سالم، زن و شوهر نسبت به اصول خانواده تعهد دارند و از احساسات زودگذر و موقت خبری نیست. روابط، مبتنی بر ارزش های انسانی و برابر است، هر یک از اعضا علاوه بر کنترل احساسات و امیال خویش، توانایی پرورش قوای درونی خود را دارد. ارتباط، خوب و توانایی برقراری ارتباط مؤثر یکی از نشانه های مهم خانواده سالم است (گلادینگ^۱ ترجمه بهاری و همکاران، ۱۳۸۶). هرگونه روابط جنسی یا ارتباط عاطفی خارج از چارچوب روابط زناشویی به صورت مخفیانه، که تهدیدی برای زندگی زناشویی محسوب شده، قانوناً به عنوان خیانت^۲ تعریف می شود (پیتمن^۳، ۱۹۸۹). خطر بی وفایی در اغلب ازدواج ها وجود دارد. وجود بی وفایی در ازدواج همیشه موجب ضربه شدید احساسی به طرفین می شود. با وجود این همه درد و ناراحتی، چرا هنوز افرادی به همسرشان خیانت می کنند؟ مردان و زنان به راحتی تحت تأثیر احساسات خود قرار می گیرند و بدترین اشتباه زندگیشان را مرتکب می شوند. یکی از مواردی که زوج دچار بی وفایی و خیانت به احتمال زیاد به آن اقدام می کند، طلاق گرفتن و پایان دادن به زندگی مشترکشان است (کاوه، ۱۳۸۹).

از سویی دیگر بی وفایی و خیانت به همسر به نوعی، بی وفایی و خیانت به فرزندان نیز خواهد بود، زیرا در صورتی که چنین رویدادی در خانواده رخ دهد مشکلات و آسیب هایی که میان والدین ایجاد می شود، فرزندان نیز از آن بی بهره نمی مانند. فرزندان که شاهد و ناظر کشمکش ها، درگیری ها، قهرها و ناآرامی های پس از بی وفایی و خیانت هستند و لحظه ها، ساعت ها و روزهای نه چندان خوشایند حاصل از چنین واقعه ای را تجربه می کنند، از عوارض مشکل آفرین و آسیب زای بی وفایی و خیانت نیز به نوعی صدمه می بینند. هم چنین این نکته بسیار مهم و اساسی را بایستی در نظر داشت که زوج سالم، موفق و کارآمد، والدین سالم، موفق و کارآمدی نیز خواهند بود و هر نکته و امری که مانع از این شود، همسران روابط سالم و موفقیت آمیزی داشته باشند، در امور پرورشی و تربیتی فرزندان نیز تأثیرگذار خواهد بود. بی وفایی و خیانت که پیامدهای مخربی را میان همسران ایجاد می کند، در مسئولیت های والدینی نیز مشکل آفرینی هایی را به همراه خواهد داشت. چارنی و پاراناس به نقل از بلو^۴ (۲۰۰۵)، درباره واکنش های منفی خیانت بیان کرده اند که واکنش فرد نسبت به خیانت همسرش شامل خشم، شکستن اعتماد، آسیب دیدن عزت نفس، ترس از ترک کردن و همچنین مشکلات عاطفی، افسردگی، آسیب دیدن سایر روابط فرد (بچه ها، والدین و دوستان) از دست دادن شغل و... است.

خیانت زناشویی پدیده ای است که اغلب به خاطر برطرف شدن نیازهای عاطفی فرد از طریق روابط خارج از حیطه زناشویی به وقوع می پیوندد. دریگو تاس و بارتا^۵ خیانت را عبور فرد از مرز رابطه زناشویی با برقراری صمیمیت فیزیکی یا عاطفی با فردی خارج از رابطه تعریف می کنند. بی وفایی و خیانت، نوعی اختلال و بیماری در رفتار است، زیرا با توجه به عوارض ناهنجار و نامطلوبی که به همراه دارد، آسیب ها و مشکلات مختلفی را برای هر یک از افراد دیگر ایجاد می نماید. براساس یک تعریف کلی خیانت، زناشویی نقض تعهد رابطه دو نفره است که منجر به شکل گیری درجاتی از صمیمیت عاطفی و فیزیکی با فردی خارج از این رابطه می شود (مدرسی، زاهدیان و هاشمی محمدآباد، ۱۳۹۲). شواهدی وجود دارد که افراد، روابط جنسی و عاطفی خارج از زناشویی را غالباً به عنوان یکی از دلایل مشکلات ازدواج، جدا شدن و طلاق مطرح می کنند. به عبارت دیگر مشکلات زناشویی و در پی آن طلاق^۶، نه تنها پایه های خانواده را متزلزل می کند، بلکه مهمتر از آن رشد عاطفی و اجتماعی و سازگاری زوجین را دچار مشکل می سازد (بارمحمدیان، ریحانی و قادری، ۱۳۹۱). بی وفایی و خیانت، به دلیل خارج بودن از مسیر طبیعی و فطری، ماهیتی آسیب زا و آسیب زننده دارد. آسیبی که در یک ارتباط خارج از هنجار به وجود می آید، تأثیرات مخرب خود را در امور دیگر همسران و خانواده بر جای می گذارد (کاوه، ۱۳۸۹). به اعتقاد اپن هیمر^۷ (۲۰۰۷) بر اساس دیدگاه سیستمی نیاز همسر بی وفا، به خیانت و پشت پا زدن به والدی که با او تعارض داشته و تمایل همسر آسیب دیده به تبدیل شدن تدریجی به والد فرد خیانت کننده، موجب پیمان شکنی و بی وفایی در زندگی زناشویی می شود. ازدواج، عرصه ای است که در آن، رفتار همسران بر اساس تعامل آن ها با والدینشان در کودکی است. به عبارتی زوجین تعامل واقع بینانه با همسرانشان را کنار گذاشته و بر اساس فراقنی های والدین خود با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند. پژوهش گواررو و باکمن^۸ (۲۰۰۸) با عنوان «سبک ارتباطات زناشویی، پس از افشاء خیانت همسر» حاکی

1-Gelading

2-Unfaithfulness

3-Pittman

4-Blou

5-Drigotas & Barta

6-Divorce

7-Oppen Heimer

8-Guerrero & Bachman

از آن بود که پس از وقوع خیانت، ارتباطات سازنده، به بازسازی رابطه و وفاداری و بالعکس ارتباطات مخرب، به کاهش ارتباط، انتقام‌گیری و فاصله گرفتن از یکدیگر منجر می‌شود. همچنین مشخص شد افرادی که عهد شکنی همسر را بسیار منفی و گناهی نابخشودنی تلقی کردند، سبک ارتباطی مخرب و فاصله گرفتن از او را در پیش گرفتند که این مسأله بهبود روابط را بسیار دشوار می‌کرد. احساس رضایت و سرمایه‌گذاری بر روابط زناشویی، در ایجاد روابط سازنده‌تر پس از افشاء خیانت همسر بسیار تأثیرگذار است. بر پایه دیدگاه اغلب صاحب‌نظران عرصه ازدواج، رابطه همسران مستلزم برقراری ارتباط موثر و کارآمد است (کاراهان^۹، ۲۰۰۷). چرا که الگوهای ارتباطی ناکارآمد، موجب می‌شوند که مسائل مهم زندگی مشترک، حل نشده باقی بمانند و منبع تعارض تکراری میان همسران شود (ژانگ^{۱۰}، ۲۰۰۷). بر اساس نتایج پژوهش‌های مختلف، عوامل متعددی در بروز خیانت زناشویی نقش دارند که از آن جمله می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی، عدم کیفیت زناشویی و فقدان توجه در روابط زناشویی، عوامل شخصیتی و فردی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، میزان تحصیلات، تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای، عدم تنوع جنسی، واکنش‌های بیرونی عاطفه منفی، مسامحه در روابط فرازناشویی و روابط والد-فرزندی اشاره کرد. پژوهش آلن^{۱۱} و همکاران (۲۰۰۸)، نشان داد که کاهش سطح ارتباطات مثبت بین زن و مرد و همچنین افزایش سطح ارتباطات منفی بین آنها به طور معناداری باعث روی آوردن زوجین به خیانت در ازدواج می‌شود. در پژوهش بهاری (۱۳۷۹) نشان داد که زوج‌های در حال طلاق در سازه‌های سه گانه کارایی خانواده، یعنی ابراز عواطف، نقش‌های خانوادگی و حل مشکلات، نسبت به زوج‌های عادی عملکرد ضعیف‌تری دارند. با توجه به این امر که خانواده اولین و مهم‌ترین نظام ارتباطی برای هر فردی به شمار می‌رود و زمینه و بستر مناسبی برای ایجاد سلامت جامعه است و با نظر به آثار و پیامدهای مختلفی که خیانت زناشویی در ازدواج بر زندگی خانوادگی دارد و در نتایج پژوهش‌های مختلف به آن اشاره شده، این پژوهش به بررسی رابطه بین والد-فرزند و خیانت زناشویی می‌پردازد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی-مقطعی با روش همبستگی است. جامعه آماری شامل زنان شاغل در آموزش و پرورش منطقه ۴ تهران بود که از بین آنان ۱۰۰ نفر به صورت در دسترس به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد:

۱- پرسشنامه ارزیابی رابطه والد - فرزند (PCRS) فاین و همکاران (۱۹۸۳): این پرسشنامه توسط مارک آ. فاین، جی. آر. مورلند، و اندرو اسپوویل^{۱۲} ساخته شده است که از ۲۴ گویه تشکیل شده است که به منظور سنجش کیفیت ارتباط والدین و فرزندان بکار می‌رود. PCRS دو فرم دارد که یکی برای سنجش رابطه فرزند با مادر و دیگری برای سنجش رابطه فرزند با پدر است. هر دو فرم برای پدر و مادر یکسان است، به جز کلمات «پدر» و «مادر» که قابل تغییر است. نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۷ نقطه‌ای می‌باشد. گویه‌های شماره ۹، ۱۳ و ۱۴ بصورت معکوس نمره گذاری می‌شوند و سپس نمرات گزینه‌ها جمع می‌شوند و بر تعداد گزینه‌های هر عامل تقسیم می‌شود (میانگین هر خرده‌مقیاس). نمره کل، مجموع میانگین خرده‌مقیاس‌ها است. مقیاس رابطه والد-فرزندی با ضرایب آلفای ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده‌مقیاس‌های مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ و ضرایب آلفای ۰/۶۱ (همانندسازی) تا ۰/۹۴ برای خرده‌مقیاس‌های مربوط به مادر نیز آلفای کلی ۰/۹۶ همسانی درونی عالی دارد، این ضرایب آلفا را سازندگان مقیاس با اجرای پرسشنامه بر ۲۴۱ دانشجو به دست آورده‌اند. در پژوهشی که پرهیزگار (۱۳۸۱) انجام داده است ضرایب پایانی محاسبه شده برای پرسشنامه فرم پدر برابر با ۰/۹۳ و برای فرم مادر ۰/۹۲ بوده است که نشان دهنده ی همسانی درونی خوبی است (عراقی، ۱۳۸۷).

۲- پرسشنامه خیانت زناشویی مارک واتلی^{۱۳} (۲۰۰۶): مقیاس نگرش به خیانت توسط واتلی (۲۰۰۶) تهیه شده است. این مقیاس

توسط عبدالله زاده (۱۳۸۹) به زبان فارسی ترجمه شد. مقیاس یاد شده دارای ۱۲ عبارت است. عبارت‌ها شامل جملاتی راجع به احساسات منفی و مثبت نسبت به مقوله خیانت است که آزمودنی بنا بر احساس خود به جملات نمره یک تا هفت می‌دهد. در واقع پرسشنامه خیانت، مقدار تمایل و میزان پذیرندگی یا ردکنندگی را از منظر افراد متخلف می‌سنجد. بالاترین امتیاز ۸۴ به معنی پذیرنده خیانت و کمترین ۱۲ به معنی

⁹-Karahan

¹⁰-Zhang

¹¹- Allen

¹²-Fine, Moreland & Schwbel

¹³-Mark Watley

ردکننده خیانت است. آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۴ بدست آمد. روایی آزمون توسط عبدالله زاده (۱۳۸۹) مطلوب گزارش شده است. روش نمره گذاری پرسشنامه به این صورت بود که هر سؤال در طیف هفتگانه از بسیار مخالف (امتیاز 1) تا بسیار موافق (امتیاز 7) تعلق می گیرد.

یافته ها

در این قسمت، اطلاعات توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش و ضرایب همبستگی بین آنها ارائه شده است. جدول ۱ یافته های توصیفی مربوط به میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین نمره های آزمودنی ها در متغیرهای پژوهش را نشان می دهد و جدول ۲ ماتریس ضرایب همبستگی را نشان می دهد.

نتایج جدول ۱ نشان می دهد که میانگین خیانت زناشویی در نمونه پژوهش ۶۳/۰۸، احساس مثبت ۳۳/۱۱، تنفر و گم گشتگی نقش ۱۱/۶۸، تعیین هویت ۱۶/۰۸، تعیین هویت ۱۶ و ارتباطات ۳۳/۳۷ می باشد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد بررسی در کل نمونه

متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	تعداد
خیانت	۱۸	۶۳	۶۳/۰۸	۶/۰۹	۱۰۰
احساس مثبت	۱۲	۴۴	۳۳/۱۱	۷/۱۳	۱۰۰
تنفر و گم گشتگی نقش	۲	۱۴	۱۱/۶۸	۳/۰۲	۱۰۰
تعیین هویت	۸	۲۱	۱۶/۰۰	۳/۸۷	۱۰۰
ارتباطات	۱۲	۲۹	۲۳/۳۷	۴/۶۲	۱۰۰

نتایج جدول ۲ نشان می دهد که از بین متغیرهای پژوهش بین خیانت زناشویی با تنفر و گم گشتگی نقش ($p < 0/01$, $r = 0/37$) و تعیین هویت ($p < 0/01$, $r = 0/61$) رابطه مثبت معنادار وجود دارد و همچنین بین احساس مثبت ($p < 0/01$, $r = 0/39$) و ارتباطات ($p < 0/01$, $r = 0/47$) رابطه منفی معناداری با خیانت زناشویی دارد.

جدول ۲. ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵
۱. خیانت زناشویی	۶۳/۰۸	۶/۰۹	-				
۲. احساس مثبت	۳۳/۱۱	۷/۱۳	** $-0/39$	-			
۳. تنفر و گم گشتگی نقش	۱۱/۶۸	۳/۰۲	** $0/37$	-	-		
۴. تعیین هویت	۱۶/۰۰	۳/۸۷	** $0/61$	-	-	-	
۵. ارتباطات	۲۳/۳۷	۴/۶۲	** $-0/47$	-	-	-	-

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

بحث و نتیجه گیری

یکی از عوامل اصلی که ارکان خانواده را به تزلزل می کشاند خیانت است شاید در زندگی زناشویی هیچ چیز به اندازه خیانت زناشویی احساس بی ارزشی در وجود فردی که در معرض روابط فرازناشویی قرار گرفته است را بیدار نسازد. خیانت زناشویی را عبور از مرز رابطه زناشویی یا برقراری صمیمیت فیزیکی یا عاطفی با فردی خارج از رابطه تعریف می کنند. آسیب شناسان اجتماعی معتقدند که در سالهای اخیر خیانت زناشویی افزایش یافته است این در حالی است که روابط فرازناشویی ساختار خانواده و در پی آن احساس تعلق زناشویی را تهدید می کند. این پژوهش با هدف بررسی بین والد-فرزند و خیانت زناشویی انجام شد. یافته های پژوهش نشان داد که بین خیانت زناشویی و والد-فرزندی (تنفر و گم گشتگی نقش و تعیین هویت) رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بدین صورت هر چه نمرات این بعد از والد-فرزند بیشتر باشد احتمال خیانت زناشویی در افراد بیشتر است. نظریه یادگیری اجتماعی بیان می کند که رفتار فرزند به پاداش ها، تنبیه ها و الگوهای رفتاری که والدین ارایه می کنند بستگی دارد و تجربه های اولیه در روابط خانوادگی بر کارکرد روابط بعدی تأثیر می گذارد. بی توجهی و فقدان ارتباط مناسب والدین با فرزندان، به سلامت و امنیت محیط روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان لطمه می زند و فرزندان را با کمبودهای عاطفی، انگیزشی و مشکلات روانی در زندگی زناشویی رو به رو می سازد (بیرن^{۱۴}، ۲۰۰۵). نتایج پژوهش موسوی، مظاهری و قنبری (۱۳۹۱) حاکی از آن است که رابطه والدین با دختران تأثیر بسیاری در سازش یافتگی روانشناختی آنها در یزرگسالی دارد. برونسکی و فراری^{۱۵} (۱۹۹۶)، برونسکی^{۱۶} (۲۰۰۰ و ۲۰۰۵)؛ برونسکی و کاک^{۱۷} (۲۰۰۵) معتقدند که افراد فاقد هویت و سردرگم برای تشکیل روابط دوستانه و حفظ شبکه حمایت اجتماعی با مشکل مواجه اند. آنان روابط ضعیفی را با همسالان خود برقرار می کنند و از نظر میزان صمیمیت و گشودگی در روابط در سطح پایینی قرار دارند و همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بین احساس مثبت و ارتباطات رابطه منفی معناداری وجود دارد. یعنی هر چه ارتباط و احساس مثبت در روابط با والدین با فرد مثبت بوده است باعث عدم خیانت زناشویی شده است. پژوهش آلن و دیگران (۲۰۰۸)، نشان داد که کاهش سطح ارتباطات مثبت بین زن و مرد و همچنین افزایش سطح ارتباطات منفی بین آنها به طور معناداری باعث روی آوردن زوجین به خیانت در ازدواج می شود. در پژوهش بهاری (۱۳۷۹) نشان داد که زوج های در حال طلاق در سازه های سه گانه کارایی خانواده، یعنی ابراز عواطف، نقش های خانوادگی و حل مشکلات، نسبت به زوج های عادی عملکرد ضعیف تری دارند. ارتباط و احساس مثبت سازنده نقش اساسی در کارکرد خانواده سالم دارد. همچنین نتایج پژوهش احمدی و فاتحی زاده (۱۳۸۴) نشان داده که بیش ترین میزان همبستگی بین رابطه سازنده متقابل و رضایتمندی زناشویی در زنان دیده شد به این معنا که در زنان در صورتی که الگوی ارتباطی از نوع رابطه سازنده متقابل باشد، میزان رضایتمندی زناشویی و در نتیجه صمیمیت بین آن ها افزایش می یابد. پژوهشگران بر این باورند که ارتباط پی در پی باز و روشن، یک ویژگی اساسی خانواده سالم است. پژوهش ها نشان می دهد که میان الگوهای ارتباطی سازنده و خشنودی از زندگی زناشویی و در نتیجه سلامت خانواده پیوندی مثبت و معنادار وجود دارد (شعاع کاظمی، ۱۳۸۹). نتایج پژوهش حاضر می تواند در جهت پیشگیری از مشکلات زناشویی مفید باشد. برای مثال می توان برنامه هایی را برای بالا بردن سطح آگاهی متخصصین بالینی، تربیتی و اجتماعی پایه ریزی کرد تا با آموزش تأثیر روابط والد-فرزندی در آینده زناشویی فرزندان در جهت درمان و پیشگیری از دیگر مشکلات روانشناختی و پیامدهای بلند مدت آن بهره برده شود. تهیه برنامه های آموزشی مهارت های فرزند پروری، برای پیشگیری از مشکلات بعدی روانشناختی می تواند راهگشا باشد. از محدودیت های پژوهش حاضر این است که نمونه مورد بررسی محدود به زنان بود و تنها قابلیت تعمیم نتایج متمرکز و متوجه زنان شد؛ بنابراین، پیشنهاد می شود که پژوهشگران در آینده نقش این متغیر ها را در بین مردان هم بررسی کنند.

¹⁴-Byrene¹⁵- Ferrari¹⁶- Kuk¹⁷-Berzonsky

منابع و مراجع

- [۱] احمدی، احمد و فاتحی زاده، محسن (۱۳۸۴). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان. فصلنامه خانواده پژوهی، ۱(۲).
- [۲] شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۸۹). بررسی پیوند الگوهای ارتباطی با خشنودی زناشویی، فصلنامه مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۱(۱)، ۷۰-۵۲.
- [۳] عراقی، یحیی (۱۳۸۷). بررسی کیفیت رابطه والد-فرزندی در دو گروه از دانش آموزان پسر پرخاشگر و غیر پرخاشگر. مطالعات روانشناختی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهراء. دوره ۴ شماره ۴، ۱۲۹-۱۱۴.
- [۴] عبدالله زاده، حسن (۱۳۸۹). معرفی مقیاس نگرش به خیانت. مارک واتلی، تهران، موسسه آزمون یارپویا.
- [۵] کاوه، سعید (۱۳۸۹). همسران و بی وفایی و خیانت. تهران: انتشارات سخن.
- [۶] گلاذینگ، ساموئل (۱۳۸۶). خانواده درمانی (تاریخچه، نظریه، کاربرد). ترجمه فرهاد بهاری و همکاران. تهران: تزکیه.
- [۷] مدرسی، فریبا؛ زاهدیان، سیدحسین؛ و هاشمی محمدآباد، نذیر (۱۳۹۲). میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق دارای سابقه خیانت زناشویی و فاقد سابقه خیانت زناشویی. ارمغان دانش، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، دوره ۱۹، شماره ۴.
- [۸] موسوی، پریسا. مظاهری، علی و قنبری، سعید (۱۳۹۱). پذیرش همسر و سازش یافتگی روان شناختی زنان: نقش تعدیل کننده پذیرش والدین. روانشناسی تحولی، ۳۲(۱۲)، ۳۸۴-۳۷۳.
- [۹] یارمحمدیان، احمد. ریحانی، فاطمه و قادری زهرا (۱۳۹۱). رابطه بین هوش هیجانی و مکانیسم های دفاعی در بین زوج های در آستانه طلاق و عادی. روشها و مدل های روان شناختی، ۲(۷). ص ۶۱-۴۷.
- [10] Berzonsky, M. D. (2005). Identity status and identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research*, 15,1, 81-98.
- [11] Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences*. 20, 597-606.
- [12] Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2005) Identity style, psychological Maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*. 39, 235 -247.
- [13] Berzonsky, M. D. (2000). Identity processing styles, self-construction, and personal epistemic assumptions: A social-cognitive perspective. Paper presented in the workshop "Social Cognition in Adolescence: Its Developmental Significance," Groningen, the Netherlands.
- [14] Blow, A. J. (2005). Infidelity in committed relationship II : A substantivel review. *Journal of marital and family Therapy*, Apr 2005.
- [15] Byrene. B.M. (2005) Structural equation modeling with Amos. Basic concepts,
- [16] application and programming. Newjersy: Lawrence Erlbaum Associated
- [17] Drigotas S, Barta W. (2001). The cheating heart: Scientific exploration of infidelity. *Journal of Current Directions in Psychological Science*; 10-177-180.
- [18] Guerrero, L. K. & Foster Bachman, G. (2008). Communication following relational transgressions in dating relationships: An investment-Model Expansion. *Southern communication Journal* Vol. 73, No. 1, pp. 4-23.
- [19] OPPENHEIMER, M. (2007). Recovering from an Extramarital Relationship from a Non-Systemic Approach. *AMERICAN JOURNAL OF PSYCHOTHERAPY*, Vol. 61, No. 2.
- [20] Pittman, F. (1989). Private lies: Infidelity & betrayal of intimacy. New York: W. W. Norton & Co.